

## ظهور و بروز قرآن در کلام اقبال

محمد حسین بهشتی\*

علامه اقبال لاهوری در روز جمعه سوم ذی‌قعدة ۱۲۹۴ ق. مطابق با نهم نوامبر ۱۸۷۷ م. در شهر سیالکوت پاکستان به دنیا آمد. پدر وی از بازرگان متدین بود. نیاکان اقبال از قبیله بر همان کشمیر بودند که در قرن هفدهم به دین مقدس اسلام مشرف شدند. تحصیلات اقبال به رسم معمول آن زمان از آموختن قرآن در یکی از مساجد سیالکوت آغاز شد. اقبال همیشه تحت تأثیر این سخن پدرش بود که گفته بود: وقتی قرآن تلاوت می‌کنی، فکر کن قرآن بر تو نازل شده است؛ یعنی مخاطب کلام خدا شده‌ای. در کمتر اثری از اقبال، ممکن است نفوذ و تأثیر قرآن و تعلیمات اسلامی وجود نداشته باشد، از آنجایی که دنیای اقبال دنیایی پرتکاپو و پرتلاش برای بازسازی جامعه‌ای عقب مانده و مبارزه با دشمنان ملت است. باید این دعوت براساس اصول اعتقادی باشد تا پذیرفتنی باشد. اقبال با تأمل در آیات قرآن و تدبیر در موضوع جبر و اختیار و قضا و قدر هر کس را در برابر کردارش آزاد و مسئول می‌داند و این بهترین عقیده‌ای است که می‌توان اساس دعوت او قرار گیرد. بازگشت به قرآن یکی از مهم‌ترین راه‌حلهای اسلامی در اندیشه‌های متفکران مسلمان در دوران معاصر بوده است. از نظر متفکران یکی از علل عقب ماندگی، انحطاط و زوال

\* دانش‌پژوه دوره کارشناسی علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی (ص) العالمية، واحد مشهد مقدس

پیش آمده در جهان اسلام، عدم توجه و عدم تأمل صحیح در قرآن است. اقبال یکی از این متفکران و روشنفکرانی است که معتقد است باید این کتاب عظیم را حفظ و به آن عمل کرد.

شخصیت علمی و ادبی علامه اقبال بر کسی پوشیده نیست. به همین جهت، تاکنون کتابها و مقالات بسیاری درباره این مرد علم و ادب نوشته نگاشته شده است. ظاهراً این یک حقیقت انکار نشدنی است که همه دانشمندان اسلامی درباره علامه اقبال نظر مثبتی دارند. دانشگاہیان نیز دوستدار اویند. آنچه مایه تعجب و شگفتی می‌باشد، این است که اکثر اساتید و علمای حوزه هم اقبال را دوست دارند. شاید بتوان علت وحدت نظر این دو طیف در مورد اقبال را این دانست که او یک متفکر اسلامی است و در اندیشه‌های دینی جایگاه ویژه‌ای دارد، خصوصاً درباره توجه او به فرموده حضرت رسول اکرم (ص) در حدیث مشهور ثقلین که یکی از احادیث متواتر اسلامی است و شیعه و اهل سنت آن را از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت کرده‌اند:

«انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی، اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی ابدأ - و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما!»؛ دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم، هر گاه به آن دو تمسک جویند پس از من هرگز گمراه نخواهید شد؛ آن دو کتاب خدا و عترت و اهل بیت من می‌باشند. این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در قیامت نزد من آیند. پس بنگرید که چگونه با آنها رفتار می‌کنید.

علامه اقبال به آن سخن حضرت رسول اکرم (ص) به خوبی عمل کرد. از یک طرف نسبت به عترت و اهل بیت رسول خدا (ص) نیز عقیده و نظریات

فوق‌العاده‌ای به جا گذاشته است؛ به همین جهت با مطالعه و تحقیق درباره انقلاب اسلامی ایران، رهبری حضرت امام خمینی (ره) و وقایع و حوادثی که در این دوران اتفاق افتاده، بیشتر به عظمت افکار بلند رادمردان و آزادمردانی همچون مرحوم علامه اقبال لاهوری پی می‌برم. شعرهای انقلابی او چنان بر روح و روان تأثیر می‌گذارد و وجدان و ضمیر هر خفته را به وجد می‌آورد که خواننده، شیفته و مجذوب اشعار او می‌شود، به طوری که رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای - حفظه الله - که تمام عمر خویش را وقف اهداف انقلاب اسلامی نموده، درباره علامه اقبال می‌فرماید: من یکی از ارادتمندان علامه اقبال هستم می‌توانم به جرئت ادعا کنم، این انقلاب اسلامی که در ایران به وقوع پیوسته، در حقیقت همان آرمان و آرزوی دیرینه اوست که با اشعار انقلابی خود می‌خواست مسلمانان جهان را برای تحقق چنین آرمانی بیدار کند.<sup>۲</sup>

گر تو می‌خواهی مسلمان زیستن

نیست ممکن جز به قرآن زیستن

حفظ قرآن عظیم آئین توست

حرف حق را فاش گفتن دین توست

از یک آئین مسلمان زنده است

پیکر امت ز قرآن زنده است

اقبال همچون مرشد خویش، مولانای رومی، در اشعارش از آیات و روایات

سود جسته است و یا مفاهیم آیات را به نظم کشیده است. اکنون به مواردی از چنین

اشعاری اشاره می‌کنیم:

۱. از ته آتش بر اندام ز سیم گل

تار هر نمرود را سازیم گل

«قلنا یا نارکونی بردأ و سلاماً علی ابراهیم»<sup>۲</sup>؛ یعنی: گفتیم: ای آتش! بر

ابراهیم خنک و سلامت باش.

۲. ای تو را حق خاتم اقوام کرد

بر تو هر آغاز را انجام کرد

«ما کان محمد ابا احدأ من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین»<sup>۳</sup>.

۳. باز سوی حق دمید آن ناصبور

بود معراجش نماز با حضور

قال النبی(ص) «الصلوة معراج المؤمن»<sup>۴</sup>؛ نماز معراج مؤمن است.

۴. تارک اقل ابراهیم خلیل

انبیا را نقش پای او دلیل

اشاره است به آیه ۷۶ سوره انعام: «چون شب او را فرو گرفت، ستاره‌ای دید.

گفت: این است پروردگار من! چون فرو شد، گفت: فروشوندگان را دوست ندارم.

اشاره است به آیه «فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله، کان آمناً»؛ در آنجاست

آیات روشن و مقام ابراهیم و هر که بدان داخل شود، ایمن است.

۵. جوی اشک از چشم بی خوابش چکید

تا پیام طهراً بیتی شنید

«و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهراً بیتی للطائفین...»؛

ما ابراهیم و اسماعیل را فرمان دادیم خانه مرا برای طواف‌کنندگان و مقیمان

و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید.

۶. بهر ما ویرانه‌ای آباد کرد

طائفان را خانه‌ای بنیاد کرد

اشاره است به آیه «ربنا انی اسكنت من ذریتی بسواد غیر ذی زرع بیتک

المحرم»<sup>۵</sup>؛ پروردگارا! من (یکی) از فرزندانم را در سرزمینی بی‌کشت، نزد خانه محترم

تو سکونت دادم.

۷. حق تعالی پیکر ما آفرید

و ز رسالت در تن ما جان دمید

اشاره است به آیه «یا ایها الذین آمنوا استجبوا و للرسول اذا دعاکم لما

یحیکم...»<sup>۶</sup>؛

ای کسانی که ایمان آوردید! چون خدا و رسول شما را به چیزی فرا خوانند

که زندگیتان می‌بخشد، دعوتشان را اجابت کنید ...

۸. آن که شان اوست یهدی من یرید

از رسالت حلقه گیرد مه کشید

اشاره است به آیه «ان الله یهدی من یرید»<sup>۷</sup>؛ بدین سان قرآن را نازل کردیم،

با آیاتی روشنگر و خدا هر کس را بخواهد، هدایت می‌کند.

۹. ما ز حکم نسبت او ملتیم

اهل عالم را پیام رحمتیم

اشاره است به آیه «و ما ارسلناک الا رحمہ للعالمین»<sup>۱۰</sup>؛ و نفرستادیم تو را،

جز آنکه می‌خواستیم به مردم جهان رحمتی ارزانی داریم.

۱۰. قوت قلب و جگر گردونی

از خدا محبوب تر گردونی

اشاره است به آیه «لاذ یقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سکینته علیه

و ایدہ بجنود لم تروها و جعل کلمة الذین کفروا السفلی و کلمة الله هی العلیا و الله عزیز

حکیم»<sup>۱۱</sup>؛ آن هنگام که آن دو در غار بودند و او به همراه خود می‌گفت: غم مخور،

خدا با ماست. در این موقع، خداوند سکینه و آرامش خود را بر او فرستاد و با

لشکرهایی که ندیده‌اید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد

(و آنها را با شکست مواجه ساخت) و سخن خدا (و آیین او) بالا (و پیروز) است و

خداوند عزیز (پیروزمند) و حکیم است.

۱۱. قلب مؤمن را کتابش قوت است

حکمتش جبل الوریث ملت است

اشاره است به آیه «و نحن اقرب الیه من جبل الوریث»<sup>۱۲</sup>؛

و ما انسان را خلق کرده ایم و از وسواس و اندیشه‌های نفس او کاملاً

آگاهیم و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.

۱۲. دامنش از دست دادن مردن است

که چون گل از باغ خزان افسردن است

قوت ایمان حیات افزایش

ورد لا خوف علیهم بایدت

اشاره است به آیه «و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا...»<sup>۱۳</sup>؛

و همگی به رشته دین خدا چنگ زنید و به راههای متفرق (برای مدعیان

دین سازی نروید) ...

۱۳. الله الله، بآء بسم الله پدر

معنی ذبح عظیم آمد پسر

اشاره است به آیه «و فدیناه بذبح عظیم»<sup>۱۴</sup>؛ و برای او ذبح بزرگی ساختیم.

علامه اقبال به نکات تاریخی دلپذیری که حاکی از عشق نبی (ص) به دو

تن از یاران ولایت است، اشاره می‌کنند و می‌گویند:

۱۴. بهر آن شد زاده خیر العمل

دوش خیر المرسلین نعم الجم

اشاره است به حدیث رسول معظم اسلام (ص): «نعم الجمل جملکما و نعم

الجدلات انتما»<sup>۱۵</sup>.

۱۵. در میان امت آن کیوان جناب

همچو حرف قل هو الله در کتاب

اشاره است به آیه «قل هو الله احد»<sup>۱۶</sup>؛ به خلق بگو: او خدای یکتاست.

۱۶. دین فطرت از نبی آموختیم

در ره حق مشعلی افروختیم

اشاره است به آیه «فطرة الله التي فطر الناس علیها تبدیل لخلق الله ذلک الدین

القیم»<sup>۱۷</sup>؛ از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است، پیروی کن که هیچ

تغییری در خلقت خدا نیاید این است آیین استوار حق.

۱۷. لایبی بعدی ز احسان خداست

برده ناموس دین مصطفی است

اشاره است به حدیث منزلت: قال رسول الله (ص) لعلی بن ابی طالب: انت

منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي.<sup>۱۸</sup>

۱۸. حق تعالی نقش هر دعوی شکست

تا ابواسلام را شیرازه بست

اشاره است به آیه «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون»<sup>۱۹</sup>؛ البته ما قرآن را

بر تو نازل کردیم و ما هم آن را محققاً از آسیب حسودان و منکران حفظ می‌کنیم.

۱۹. بود انسان در جهان انسان پرست

ناکس و نابودمند و زیردست

اشاره است به آیه «و یضع عنهم ارجهم و الاغلال التي كانت علیهم»<sup>۲۰</sup>؛ و

احکام پر رنج و مشقتی را که (از جهل و هوا) چون زنجیر به گردن خود نهاده، همه را بر می‌دارد.

۲۰. به امینی حق به حق داران سپرد

بندگان را مسند خاقان سپرد

اشاره است به آیه «و نريد ان نمنّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم

ائمة و نجعلهم الوارثین»<sup>۲۱</sup>؛ و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل، منت گذارده، آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک گردانیم.

۲۱. مرسلان و انبیا آبی او

اکرم او نزد حق اتقای او

اشاره است به آیه «ان اکرمکم عند الله اتقاکم»<sup>۲۲</sup>؛ بلکه بزرگوار و با

افتخارترین شما نزد خدا با تقوا ترین مردم‌اند.

۲۲. کلّ مؤمن اخوه اندر دلش

حریت سرمایه آب و گلش

اشاره است به آیه «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم»<sup>۲۳</sup>؛ به حقیقت،

مؤمنان برادر یکدیگرند، پس بین برادران ایمانی صلح دهید.

۲۳. همچو سرو آزاد فرزندان او

پخته از قالوا بلی ییمان او

اشاره است به آیه «قالوا بلی ولكن حقت كلمة العذاب علی الکافرین»<sup>۲۴</sup>؛

جواب دهند بلی و لکن عذاب کافران محقق و حتمی گردید.

۲۴. سجده حق گل به سیمایش زده

ماه و انجم بوسه بر پایش زده

اشاره است به آیه «سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی

التوراة»<sup>۲۵</sup>؛ علامت آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است

در تورات.

۲۵. گفت قاضی فی القصاص آمد حیات

زندگی گیرد بر این قانون ثبات

اشاره است به آیه «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب»<sup>۲۶</sup>؛ و ای

خردمندان! شما را در قصاص زندگانی است.

۲۶. مدعی را تاب خاموشی نماند

آیه بالعدل و الاحسان خواند

اشاره است به آیه «ان الله يامر بالعدل و الاحسان و ايتاء ذى القربى»<sup>۲۷</sup>؛ همانا

خداوند خلق را فرمان به عدل و احسان می‌دهد و بذل و عطای مال به خویشاوندان را امر می‌کند.

۲۷. آن که در قرآن خدا آن را ستود

آن که حفظ جان او موعود بود

اشاره است به آیه «محمد رسول الله والذين معه أشدءاء على الكفار و رحماء

بينهم»<sup>۲۸</sup>؛ محمد (ص) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی دل و سخت گیرند و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربان‌اند.

مصراع دوم اشاره دارد به آیه «والله يعصمك من الناس»<sup>۲۹</sup>؛ ای پیامبر! آنچه از

سوی پروردگارت به تو فرو آمده، برسان و اگر این [کار را] نکنی، پیام او را نرسانده‌ای و خدا تو را از (فتنه و گزند) مردم نگاه می‌دارد.

۲۸. جنتی جستند در بئس القرار

تا احقوا قومهم دارالبوار

اشاره است به آیه «الم تر الى الذين بدلوا نعمة الله كفرةً و احلوا قومهم دار

البوار»<sup>۳۰</sup>؛ آیا نگرستی به کسانی که (سپاس) نعمت خدا را به کفران و ناسپاسی بدل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند.

۲۹. از اجل این قوم بی پرواستی

استوار از نحن نزلناستی

اشاره است به آیه «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون»<sup>۳۱</sup>؛ همانا ما این ذکر

(قرآن) را فرو فرستادیم و هر آینه ما نگاهدار آنیم.

۳۰. امت مسلم ز آیات خداست

اصلش از هنگامه قالوا بلی است

اشاره است به آیه «واشهد هم على انفسهم الست بربكم قالوا بلی»<sup>۳۲</sup>؛

۳۱. تا خدا ان یطفوا فرموده است

از فسردهن این چراغ آسوده است

اشاره است به آیه «یریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم و یأبى الله ان یتم

نوره ولو کره الکافرون»<sup>۳۳</sup>؛ می‌خواهند نور دین و محبت خدا را با دهانشان خاموش

کنند و خدا جز این نمی‌خواهد که روشنایی خود را تمام و آشکار سازد، اگر چه کافران خوش ندارند.

۳۲. حرف او را ریب نی تبدیل نی

آیه‌اش شرمندة تآویل نی

اشاره است به آیه «ذلک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین»<sup>۳۴</sup>؛ این کتاب هیچ

شکی در آن نیست. راهنمای پرهیزگاران است.

همچنین اشاره است به آیه «لاتبدیل لکلمات الله ذلک هو الفوز العظیم»<sup>۳۵</sup>؛

سخنان خدای را دگرگون نیست، این است رستگاری بزرگ.

۳۳. نوع انسان را پیام آفرین

حبل او را رحمه للعالمین

تفسیر

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۸۷

۱۳۰

تفسیر

ظهور و بروز قرآن در کلام اقبال

۱۳۱

اشاره است به آیه «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین»<sup>۳۴</sup>؛ و ما تو را نفرستادیم،

مگر رحمتی برای جهانیان.

۳۴. آن که دوش کوله بارش بر نتافت

سطوت او زهره گردون شکافت

اشاره است به آیه «انا عرضنا الامانة على السموات و الارض و الجبال فابین

ان یحملنها»<sup>۳۷</sup>؛ همانا امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، ولی از برداشتن (پذیرفتن) آن سرباز زدند ...

۳۵. قطع کردی امر خود را در ویر

جاده پیمایی ای شئی و نکر

اشاره است به آیه «فتقتطعوا امرهم بینهم زیرا»<sup>۳۸</sup>؛ ولی کار (دین) خویش میان

خود پاره پاره کردند هر گروهی به آنچه نزدشان است، دل خوش‌اند.

و همچنین اشاره است به آیه «فتول عنهم یوم یدع الداع الی شیء نکر»<sup>۳۹</sup>؛

۳۶. آنکه مهتاب از سر انگشتش دو نیم

رحمت او عام و اخلاقی عظیم

اشاره است به آیه «و انک لعلی خلق عظیم»<sup>۴۰</sup> و آیه «و ما ارسلناک الا

رحمة للعالمین»<sup>۴۱</sup>

۳۷. رازدار را ز ما بیت‌الحرام

سوز ما هم ساز ما بیت‌الحرام

اشاره است به آیه «جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس»<sup>۴۲</sup>؛ خداوند کعبه

را وسیله برپایی مردم قرار داد.

۳۸. دعوی او را دلیل استیم ما

از براهیف خلیل استیم ما

اشاره است به آیه «و اذ یوآنا لابراهیم مکان البیت ان لا تشرک بی شیئاً»<sup>۴۳</sup>؛

و (یاد کن) آنگاه که جای آن خانه را برای ابراهیم جایگاه (عبادت) ساختیم و (گفتیم) که هیچ چیز را با من انبار مگیر.

۳۹. نکته سنجان را صلاهی عام ده

از علوم امتی پیغام ده

اشاره است به آیه «الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوباً

عندهم فی التوارة و الانجیل»<sup>۴۴</sup>؛ آنان که پیروی کنند از رسول و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست نام و نشان و اوصاف او را نگاشته.

۴۰. از قیای لاله‌های این چمن

پاک شست آلودگیهای کهن

اشاره است به آیه «ولکن یرید لیطهرکم و لیتم نعمه علیکم»<sup>۴۵</sup>

بلکه می خواهد شما را پاکیزه سازد و تهمت خویش را بر شما تمام کند

۴۱. جلوه در تاریکی ایام کن

آنچه بر تو کامل آمد عام کن

اشاره است به آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت

لکم الاسلام دیناً»<sup>۴۶</sup>

۴۲. بر سر این باطل حق پیرهن

تیغ لاموجود الا هو بزن

اشاره است به آیه «فان الله ما فی السموات و الارض»<sup>۴۷</sup>؛ ای مردم! این پیامبر

از جانب پروردگارتان به راستی و درستی سوی شما آمده، پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است و اگر کافر شوید پس بدانید که آنچه که در آسمانها و زمین است، از آن خداست.

۴۳. جست و جو را محکم از تدبیر کن

انفس و آفاق را تسخیر کن

اشاره است به آیه «سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم»<sup>۴۸</sup>؛ به زودی

نشانه‌های خود را در افق‌های گوناگون و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود.

۴۴. صورت هستی ز معنی ساده نیست

این کهن ساز از نوا افتاده نیست

اشاره است به آیه «أفحسبتم أنما خلقناکم عبثاً و أنکم الینا لاترجعون»<sup>۴۹</sup>؛ آیا

پنداشته‌اید که شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما باز گردانده نمی‌شوید.

۴۵. تو که مقصود خطاب انظری

بس چرا این راه چون کوران بری

اشاره است به آیه «فانظر الی آثار رحمة الله»<sup>۵۰</sup>؛ پس نشانه‌های رحمت خدا را

بنگر که چگونه زمین را پس از مردگی‌اش زنده می‌کند.

۴۶. علم اسماء اعتبار آدم است

حکمت اشیاء حصار آدم است.

اشاره است به آیه «و علم آدم الاسماء کلها»<sup>۵۱</sup>؛ همه نامها را به آدم آموخت.

سپس آن چیزها را بر فرشتگان عرضه کرد.

۴۷. پوشش عریان مردان زن است

حسن دلجو عشق را پیراهن است

اشاره است به آیه «هن لباس لکم و اتم لباس لهن»<sup>۵۲</sup>؛ آنان پوشش شمایند و

شما پوشش آنان.

۴۸. حافظ رمز اخوت مادران

قوت قرآن و ملت مادران

مریم از یک نسبت عیسی عزیز

از سه نسبت حضرت زهرا(س) عزیز

نور چشم رحمة للعالمین

آن امام اولین و آخرین

بانوی آن تاجدار هل اتی

مرتضی، مشکل گشا، شیر خدا

سفر

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۸۷

۱۳۴

سفر

ظهور و بروز قرآن در کلام اقبال

۱۳۵



اشاره است به آیه «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین»<sup>۵۳</sup>؛ و ما تو را نفرستادیم

مگر رحمتی برای جهانیان

و بیت آخر اشاره است به آیه «ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و

اسیراً»<sup>۵۴</sup>؛ و طعام را با دوستی به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند.

علامه اقبال لاهوری در هر فرصتی و هر مناسبتی که دست می‌داد، موضوع

فرهنگ قرآنی و اسلامی را مطرح می‌کند و به «حیل الله» چنگ می‌بازد و به آن

می‌بالد و بر این باور است که جان نو در کالبد کسی دمیدن با فرهنگ و آموزشهای

اسلامی میسر می‌گردد. اقبال خداشناسی را برترین فرهنگها می‌شمارد و ترویج

فرائض اسلامی را توصیه می‌کند. فکر و نظر اقبال بر مبنای قرآن حکیم و تعلیمات

اسلامی می‌باشد. از این جهت، آیات قرآن در اشعار ایشان می‌درخشد و فرهنگ

قرآنی در کلام اقبال نمایان است:

۴۹. حسین و جان نو بده هر زنده را

از قسم خود زنده‌تر کن زنده را

نظر به این آیه دارد: «یا ایها المدثر قم فانذر و ربک فکیر»<sup>۵۵</sup>؛

الا ای رسول خدا که را به لباس در پیچیده‌ای! برخیز و به اندرز و بند خلق را

خدا ترس گردان.

علامه اقبال فرهنگ خداشناسی را بهتر و عالی‌ترین فرهنگ می‌داند و بر

این است که فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) را توسعه بدهد.

۵۰. تو از بار فرائض سر متاب

برخوری از عنده حسن مآب

بنیاد و اساس این شعر آیه مبارکه «والله عنده حسن المآب» می‌باشد.<sup>۵۷</sup>

فکر و خیال اقبال این است عمل کردن به تعلیمات اسلامی مانند خنجر تیز

می‌باشد؛ چون انسان را از فسق و فجور و سرکشی و اعمال قابل نفرت می‌رهاند.

۵۱. لا اله باشد صدف گوهر نماز

قلب مسلم را حج اصغر نماز

در کف مسلم مثال خنجر است

قاتل فحشاء و بقی و منکر است

روزه بر جوع و عطش شبخون زند

خیبر تن پروری را بشکند

اشعار مذکور برگرفته از این آیه شریفه می‌باشد: «ان الصلوة تهی عن الفحشاء

و المنکر»<sup>۵۸</sup>؛ همانا نماز است که اهل نماز را از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد.

یاد تازه‌ای در دورن انسان هویداست چون که نماز ذکر الله اکبر است

علامه اقبال فرهنگ و تمدن اسلام ناب محمدی (ص) را بیان می‌کند و می‌گوید:

۵۲. قلب را از صبغه الله رنگ ده

عشق را ناموس و نام و ننگ ده

این مطلب را از آیه شریفه: «صبغة الله و من احسن من الله صبغة». <sup>۵۹</sup> گرفته

است. ترجمه آیه: رنگ آمیزی خداست هیچ رنگی خوشتر از ایمان به خدای یکتا

نیست.

علامه اقبال فرهنگ و تعلیمات اسلامی را این طور بیان می‌کند و به اولین  
سوره قرآن حکیم که بر پیامبر (ص) نازل شده، اشاره می‌کند و زیور علم را برای  
همه انسانها ضروری و لازم می‌داند و می‌فرماید:  
۵۳. حرف اقرء حق به ما تعلیم کرد

رزق خویش از دست ما تقسیم کرد

این بیت در واقع، اشاره است به آیات «اقرء باسم ربك الذی خلق خلق  
الانسان من علق اقرء و ربك الاكرم الذی علم بالقلم»؛ قرآن را به نام پروردگارت که  
خدای آفریننده خلق عالم است، قرائت کن؛ آن خدایی که آدمی را از خون بسته  
بیافرید. بخوان قرآن را و پروردگار تو کریم ترین کریمان عالم است. آن خدایی که  
بشر را نوشتن به قلم آموخت و به آدم آنچه نمی دانست، با الهام خود تعلیم داد.  
در نظر اقبال دین مقدس اسلام و قوانین اسلامی تنها راه نجات انسان  
می‌باشد و برای پیروی کردن از آن باید انسان اراده محکم داشته باشد. این هم یکی  
از خصوصیات فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) می‌باشد.

۵۴. ما همه خاک و دل آگاه اوست

اعتصامش کن که جبل الله اوست

این شعر اشاره‌ای است به آیه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا».<sup>۶۱</sup>

نظر اقبال در بیان فرهنگ اسلامی این است که هر جا حکمت نبوی (ص)  
یا خردمندی پیدا شد، باید آن را گرفت. از این جهت انسانها و خصوصاً مسلمانان به  
هر طریق ممکن باید آن را به دست بیاورند.

۵۵. گفت حکمت را خدا خیر کشید

هر کجا خیر را بینی بگیر

این بیت اشاره به این آیه شریفه است: «يُوتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ مَنْ يُوْتِي  
الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذُكُرُ آلَا اُولُو الْبَاب»<sup>۶۲</sup>؛ خدا فیض حکمت و دانش را  
به هر که خواهد عطا می‌کند و هر که را به حکمت و دانش رساند، درباره او مرحمت  
بسیار فرموده و این حقیقت را جز خردمندان عالم متذکر نشوند.

اینجا مناسب می‌داند به نقل یکی از قدمای مشهور، یعقوب بن اسحاق  
کندی، اشاره کند که می‌فرماید: درست آن است که ما حقیقت را از هر منبعی که به  
دست ما برسد، بدون احساس شرمندگی بپذیریم؛ زیرا برای کسی که به دنبال  
حقیقت است، چیزی با ارزشمندتر از حقیقت نیست و کسی که در جست و جوی  
حقیقت است، تحقیر و کم ارزش نمی‌گردد.

حضرت امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «الحكمة ضالة المؤمن»<sup>۶۳</sup>؛ حکمت گم  
شده مؤمن است.

توجه به فرهنگ و دانش اسلامی و وابستگی به قرآن و عترت آرزوی اقبال  
است و امتیاز بزرگ او همین است که تحت تأثیر فرهنگ غنی و پر برکت قرآن و  
عترت قرار گرفته، و می‌فرماید:

۵۶. سید کل صاحب ام الكتاب

پردگیها بر ضمیرش بی حجاب

علم اشیاء علم الاسماستی

هم عصا و هم ید بیضاستی

علم و دولت نظم کار ملت است

علم و دولت اعتبار ملت است

گر چه عین ذات را بی پرده دید

رب زدنی، از زبان او چکید

این اشعار ذهن انسان را به این آیه مبارکه «و قل رب زدنی علماً»<sup>۶۴</sup> متوجه

می کند ترجمه آیه: بگو پروردگارا! زیاد کن علم مرا.

علامه اقبال بعد از تعریف فرهنگ اسلامی، از تکنولوژی و ثمرهای آن دفاع

می کند. البته نظر و عقیده اقبال این است که بدون معرفت الهی، علم و دانش به

هیچ وجه فایده ندارد و نظیر این علمها را رد می کند. این طور علم و دانش را سحر و

ساحری محض می داند و سحر و ساحری تحت هیچ شرایطی کامیاب نیست. چنانچه

در قرآن حکیم خداوند متعال می فرماید: «لا یفلح الساحر حیث اتی»<sup>۶۵</sup>؛ و ساحر هرگز

پیروزی نخواهد یافت.

۵۷. این تماشاخانه سحر و ساحری است

علم بی روح القدس افسونگری است

یکی از مهمترین خصوصیات فرهنگ اسلامی این است که انسانهای

خردمند و دانا در هر نقطه از جهان که باشند، فرهنگ ناب اسلامی را رد نمی کنند،

بلکه آن را قبول می کنند. اقتصاد اسلامی این افتخار را دارد و کمک به مستمندان

فقیر و بیچاره را اعلام می کند. و به هر طریقی سرپرستی محرومان را جزو ایمان

اسلامی تلقی می کند. سخاوتمندی و فیراخ دلی فرهنگ اسلامی در اشعار اقبال

نمایان است.

۵۸. هیچ خیر از مدک زرکش مجو

لن تنالو البر حتی تنفقوا

این بیت اشاره است به آیه «لن تنالو البر حتی تنفقوا مما تحبون»<sup>۶۶</sup>.

در جهان هزارها ملت و فرهنگ نابود و ناپدید شده است، اما اذان و فرهنگ

اسلامی در میان مسلمانان تا ابد زنده خواهد ماند. از این رو، علامه اقبال می فرماید:

۵۹. امت مسلم ز آیات خداست

اصلش از هنگامه قالوا بلی است

از اجل این قوم بی پرواستی

استوار از سخن نزلناسستی

تا خدا آن یطفئوا فرموده است

از فسردن این چراغ آسوده است

رومیان را گرم بازاری نماند

آن جهانگیری جهانداری نماند

شیشه ساسانیان در خون نشست

رونق خمخانه یونان شکست

مصر هم در امتحان ناکام ماند

استخوان او ته اهرام ماند

در جهان بانگ اذان بودست و هست

ملت اسلامیان بودست و هست

عقیده اقبال درباره فرهنگ ناب اسلامی این است که حکمت نبوی (ص) از عقل و فنون بالاتر، و ذات مقدس رسول گرامی اسلام (ص) یک شخصیت عظیم است؛ زیرا تخت و تاج، زرق و برق و جاه و حشم در کار نیست و اسلام محتاج این گونه شهرت نمی‌باشد. ترقی و سربلندی جامعه بشری به یمن ذات پیامبر محقق می‌شود و حیات جاویدان از سیره او سرچشمه می‌گیرد؛ چه اسلام به پیروان خود درس تسلیم و رضا و جرئت و ایمان می‌دهند که «لاخوف علیهم ولا هم یحزنون»<sup>۶۷</sup>؛

۶۰ حکمتش برتر ز عقل ذوفنون

از خمیرش امتی آید بیرون

حکمرانی بی نیاز از تخت و تاج

بی کلاه و بی سپاه و بی خراج

بحر و بر از زور طوفانش خراب

در نگاه او پیام انقلاب

درس لاخوف علیهم می‌دهد

تا دلی در سینه آدم نهد

عزم و تسلیم و رضا آموزدش

در جهان مثل چراغ افروزدش

من نمی‌دانم چه افسون می‌کند

روح را در تن دگرگون می‌کند

صحبت او هر خزف را در کُند

حکمت او هر تهی را پر کند

در نزد اقبال رواج یافتن سود و ربا، در جامعه اسلامی یک فعل فتنه‌انگیز و عمل ناپسند می‌باشد. این در حالی است که در فرهنگ اسلامی درباره قرض الحسنه، ترغیب و تشویق بسیار وجود دارد: «یبحق الله الربا و یربی الصدقات»<sup>۶۸</sup>؛

۶۱ از ربا آخر چه می‌زاید فتق

کس نداند لذت قرض الحسن

امانتداری و پس دادن مال به مالک در فرهنگ اسلامی مورد تأکید بسیار و

یک فرض اخلاقی است. اقبال از این جهت با در نظر گرفتن آیه مبارک «ان الله

یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها»؛ خدا به شما امر می‌کند که امانت را به صاحبش

باز دهید.

۶۲ کس امانت را به کار خود نبرد

ای خوش آن کو ملک حق با حق سپرد

برده ای چیزی که از آن تو نیست

داغم از کاری که شایان تو نیست

گر تو باشی صاحب شیء می‌سزد

ورنباشی خود بگو کی می‌سزد

فلک یزدان را به یزدان بازده

تا ز کار خویش بگشایی گره

اقبال فرهنگ اسلام را به جهانیان این طور معرفی می‌کند:

هست دین مصطفی دین حیات

شرع او تفسیر آیین حیات

گر زمینی آسمان سازد تو را

آنچه حق می‌خواند آن سازد تو را

صیقلش آینه سازد سنگ را

از دل آهن ریاید زنگ را

فکر و خیال اقبال این است که فرهنگ مقدس اسلام همیشه پایدار و محکم

در نسلهای آینده باقی خواهد ماند.

در جهان بانگ اذان بودست و هست

ملت اسلامیان بودست و هست

### منابع و مصادر

۱- قرآن مجید

۲- کلیات اقبال، پاکستان - لاهور، انتشارات محمد بشیر.

۳- کشف الفاظ اقبال، کراچی، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.

۴- اقبال شناسی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

۵- شاهکارهای ادبیات فارسی، تهران، امیر کبیر.

۶- پیام آشنا (ویژه اقبال)، اسلام آباد، رایزنی جمهوری اسلامی ایران، سال

اول شماره ۴.

۷- پیام آشنا (ویژه نامه اقبال)، اسلام آباد، رایزنی جمهوری اسلامی ایران،

سال اول و دوم، شماره ۱۱ و ۱۲.

۸- تحسین اردو، ایوان ادب اردو، پاکستان - لاهور.

۹- مطالعه پاکستان، تجمل حسین، پاکستان - کراچی، کتاب گهر.

۱۰- بشارت، موسسه معارف اسلام امام رضا(ع)، ش ۴۰ و ۴۴، سال هفتم.

۱۱- ماه نو (ویژه نامه اقبال)، پاکستان - لاهور، جلد ۵۵، شماره ۱۱.

۱۲- کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۶، سال ۱۳۷۷، شماره ۱۶۸، سال ۱۳۷۶،

موسسه کیهان تهران.

سفر

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۸۷

۱۴۴

سفر

ظهور و بروز قرآن در کلام اقبال

۱۴۵

بی نوشتها:

- ۱- سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۲۲
- ۲- پیغام آشنا، شماره ۴، دیماه ۱۳۷۹ ش - دسمبر ۲۰۰۰ م، ص ۱۹۵.
- ۳- انبیاء (۲) آیه ۶۹.
- ۴- احزاب (۳۳) آیه ۴۰.
- ۵-
- ۶- انعام (۶) آیه ۷۶.
- ۷- ابراهیم (۱۴) آیه ۳۷.
- ۸- انفال (۸) آیه ۲۴.
- ۹- حج (۲۲) آیه ۱۶.
- ۱۰- انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۷.
- ۱۱- توبه (۹) آیه ۴۰.
- ۱۲- ق (۵۰) آیه ۱۶.
- ۱۳- آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.
- ۱۴- صافات (۳۷) آیه ۱۰۷.
- ۱۵-
- ۱۶- اخلاص (۱۱۲) آیه ۱.
- ۱۷- روم (۳۰) آیه ۳۰.
- ۱۸-
- ۱۹- حجر (۱۵) آیه ۹.

فصل

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۸۷

۱۴۶

- ۲۰- اعراف (۷) آیه ۱۵۷.
- ۲۱- قصص (۲۸) آیه ۵.
- ۲۲- حجرات (۲۹) آیه ۱۳.
- ۲۳- حجرات (۲۹) آیه ۱۰.
- ۲۴- زمر (۳۹) آیه ۷۱.
- ۲۵- فتح (۴۸) آیه ۲۹.
- ۲۶- بقره (۲) آیه ۱۷۹.
- ۲۷- نحل (۱۶) آیه ۹۰.
- ۲۸- فتح (۴۸) آیه ۲۹.
- ۲۹- مائده (۵) آیه ۶۷.
- ۳۰- ابراهیم (۱۴) آیه ۲۸.
- ۳۱- حجر (۱۵) آیه ۹.
- ۳۲- اعراف (۷) آیه ۱۷۲.
- ۳۳- توبه (۹) آیه ۳۲.
- ۳۴- بقره (۲) آیه ۱.
- ۳۵- یونس (۱۰) آیه ۶۴.
- ۳۶- انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۷.
- ۳۷- احزاب (۳۳) آیه ۷۲.
- ۳۸- مومنون (۲۳) آیه ۵۳.
- ۳۹- قمر ۵۲ آیه ۶.

فصل

ظهور و بروز قرآن در کلام اقبال

۱۴۷

- ۴۰-  
 ۴۱- انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۷.  
 ۴۲- حج (۲۲) آیه ۲۶.  
 ۴۳- اعراف (۷) آیه ۱۵۷.  
 ۴۴-  
 ۴۵- مائده (۵) آیه ۶.  
 ۴۶-  
 ۴۷- نساء (۴) آیه ۱۷۰.  
 ۴۸- فصلت (۴۱) آیه ۵۳.  
 ۴۹- مؤمنون (۲۳) آیه ۱۱۵.  
 ۵۰- روم (۳۰) آیه ۵۰.  
 ۵۱- بقره (۲) آیه ۳۱.  
 ۵۲- بقره (۲) آیه ۱۸۷.  
 ۵۳- انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۳.  
 ۵۴- انسان (۷۶) آیه ۷.  
 ۵۵- انسان (۷۶) آیه ۶.  
 ۵۶- مدثر (۷۴) آیه ۲.  
 ۵۷- آل عمران (۳) آیه ۱۴.  
 ۵۸- عنکبوت (۲۹) آیه ۴۵.  
 ۵۹- بقره (۲) آیه ۱۳۸.

- ۶۰- علق (۹۶) آیه ۱۵.  
 ۶۱- آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.  
 ۶۲- بقره (۲) آیه ۲۶۹.  
 ۶۳- نهج البلاغه کلمات قصار.  
 ۶۴- طه (۲۰) آیه ۱۱۴.  
 ۶۵- طه (۲۰) آیه ۶۹.  
 ۶۶- آل عمران (۳) آیه ۹۲.  
 ۶۷- بقره (۲) آیه ۶۲.  
 ۶۸- بقره (۲) آیه ۲۷۶.